

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

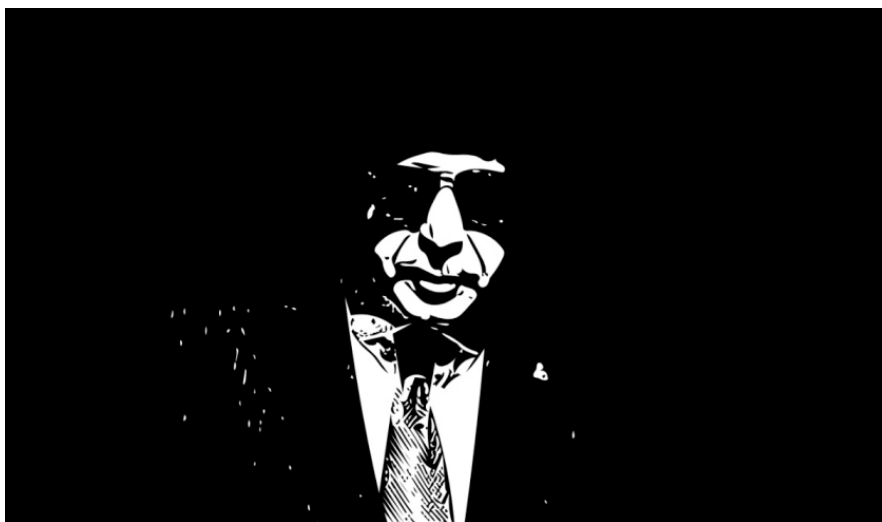
afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نوشته: محمد صادق حسینی، روزنامه «البناء» متعلق به ملی گراهای لبنان
برگردان از: احمد مزارعی
۱۹ نومبر ۲۰۲۰

مسکو انگلستان را در کنار رودخانه ولگا و «طورانیسم» ترکیه را در منطقه قفقاز با شکست روبه ساخت...



درفکر هیچ شخص هشیاری که شروع جنگ قفقاز را دنبال می کند خطور هم نمی کند که در پشت حوادث اخیر منطقه قفقاز دراصل فکر قدیمی انگلستان برای تسلط بر مقدرات ملل قفقاز نهفته است که اکنون با جنگ قره باغ تجدید شده است.

جنگی که ارتش آذربایجان در تاریخ ۲۷/۹/۲۰۲۰، علیه قره باغ که ساکنان آن ارمنی بودند به راه انداخت و تا تاریخ امضای قرارداد آتش بس اخیر که میان روسیه، آذربایجان و ارمنستان به امضا رسید، ادامه داشت، این جنگ، جنگی نبود که خلق الساعه اتفاق افتاده باشد و یا در نتیجه عکس العمل آذربایجان درمقابل با شلیک گلوله از طرف نیروهای مرزی قره باغی مثلاً اتفاق افتاده باشد، بلکه این جنگی بود در ادامه جنگهایی که انگلستان در مناطق جنوب قفقاز و وسط آسیا در گذشته به راه می انداخت، مناطقی که در حال حاضر به جمهوریهای سابق شوروی سوسیالیستی معروف است، هدف انگلستان از راه انداختن جنگهای مذکور به این دلیل بود که از نظر انگلستان این مناطق «محدوده نفوذ روسیه» به

حساب می آمد. سیاستی که تا هم اکنون انگلستان به همراهی با امریکا و پیمان ناتو آن را نه فقط در مورد روسیه بلکه در مورد ایران نیز اعمال می کنند تا از نفوذ آنان در کشورهای خاورمیانه جلوگیری کنند.

برای هشیارانی که علاقه مند به اوضاع منطقه می باشند باید گفت که این جنگ به طور تصادفی اتفاق نیفتاده بلکه برای راه انداختن آن برنامه هائی بسیار دقیق از قبل وبه فرماندهی امریکا و انگلستان برنامه ریزی شده بوده است ، قهرمان راه اندازی این جنگ سفیر سابق انگلستان در ترکیه ریچارد مور Richard Moor بوده است که از ابتدای سال ۲۰۱۴، و تا پایان سال ۲۰۱۷، در ترکیه به سر می برده است. وی از دوستان شخصی وبسیار صمیمی ونزدیک اردوخان واکثر جنرالهای ترکیه می باشد واین که وی زبان ترکی را هم به خوبی صحبت میکند و«وب سائیتی» هم تا به امروز در اینترنت به زبان ترکی مدیریت می کند. علی رغم این که آقای مورد رماه جولای ۲۰۲۰، به مسؤولیت ومدیریت تشکیلات اطلاعات خارجی بریتانیا (ام آی سیکس) منسوب گردید ، اما، در تاریخ ۲/۱۰/۲۰۲۰، از این شغل خود استعفاء داد. وی در دوره ای که به عنوان سفیر در ترکیه خدمت می کرد، اما در عین حال افسر نظامی نیز می بود.

این به این معنی می باشد که پدر «شرعی» این جنگ ، انگلستان بوده که در زیر چتر حمایتی امریکا انجام وظیفه می کرده است، در حالی که اردوخان ، جنرالهای ترک و تنبیا هو و افسران ارتش ومراکز اطلاعاتی آنها به مثابه ابزاری در دست وی بوده اند. تنها با هدف اجرای طرح نظامی جنگ علیه قره باغ وبخشهای دیگری در جنوب ارمنستان.

ارکان اصلی این طرح شامل عملیات وبرنامه های بدین قبیل می گردید : درهم ریختن استقرار جنوب قفقاز وسایر جمهوریهای آسیای میانه وگسترش دادن آن تا مرز های غربی چین با جمهوری قرقیزستان.

برنامه اساسی نیز شامل عملیات زیر می گردید :

یکم – ارتش آذربایجان تهاجمی ناگهانی و برق آسا را آغاز می کند(نوع تهاجمی که – بلیتزر کریگ blitzkrieg نامیده می شود وبه معنای جنگ برق آسا در زبان المانی است) جنگی که نباید بیشتر از یک هفته به طول بینجامد وطی آن سراسر قره باغ وجنوب ارمنستان را به اشغال خود درمی آورد، این اقدام براساس طرح برنامه ریزان نظامی امریکائی، انگلیس، اسرائیلی وترکها بوده است، همینها ارتش آذربایجان را با مدرن ترین ومهمترین جنگ افزارها مجهز کردند ، ارتش آذربایجان از نظر تسلیحات وامکانات اطلاعاتی در عالیترین مرتبه خود قرار داشت، آنها سپس این ارتش را به وسیله دهها هزار نفر تروریست داعشی واعضای تروریست جبهه نصره متعلق به ترکیه تقویت نمودند ، این تروریستها به وسیله نیروی هوائی از طریق آسمان گرجستان به آذربایجان انتقال دادند ، البته کمکها وامکانات فراوان دیگری نیز در اختیار ارتش آذربایجان قرار داده شد.

دوم – وبرای تکمیل کردن طرح نظامی که در تاریخ ۲۷/۹/۲۰۲۰، به اجراء در آورده بودند، یک جنگ نرم افزاری ویا «انقلاب رنگی» موازی با جنگ تهاجمی آذربایجان واینبار در جمهوری قرقیزستان ودر همسایگی چین شمال غربی به راه انداختند. به طوریکه در تاریخ ۴/۱۰/۲۰۲۰، (یعنی یک هفته بعد از شروع جنگ آذربایجان) قرقیزستان رامنفجر کردند، در این روز عملیات خرابکارانه همراه با راه اندازی هرج ومرج در سطح بسیار گسترده ای ، تحت عنوان اعتراض به انتخاباتی که در قرقیزستان انجام گرفته بود، به راه انداختند.به ویژه این که امریکا در سال ۲۰۱۴، مجبور شد پایگاه نیروی هوائی خود را در شرق قرقیزستان تخلیه کند، این پایگاه هوائی به مثابه سر پل مهمی بود که امریکا در چهار چوب سیاست محاصره به ضد روسیه وچین از نظر ستراتیژیک ، در قرقیزستان تأسیس کرده بود.

اما مجموعه تمهیداتی که همه تحت عنوان «انقلاب رنگی» فراهم شده بود توسط مبارزات مردم وهمچنین افشاگریهای بین المللی با شکست روبه روشد وضربه سختی بر توطئه نیروهای استعماری قدیم وجدید آنها وارد آمد . هدف از همه این برنامه های قدیمی وجدید، ایجاد یک تغییر ستراتیژیک در معادله نیروها ، در منطقه آسیای میانه بود.

سوم – بر اساس برنامه از پیش تعیین شده هدف فرضی، و پس از موفقیت کامل ارتش آذربایجان و تحقق اهداف نظامی آن، این بود که در اواخر ماه ۱۰/۲۰۲۰، کنگره مجلس تعاونی کشورهای ترک زبان، که در اصل در تاریخ ۱۶/۹/۲۰۱۰، در ستانبول تأسیس یافته بود مجدداً تشکیل گردد و در آن کنگره تأسیس «ارتش عظیم طورانی» را علنی نمایند.

و این از نظر عملی و عملیاتی به این معنی بود که آذربایجان در چهارچوب سیاستهای ترکیه وارد شده و در حقیقت بخشی از نیروی تابع «پیمان اطلسی» و یا ناتو گردیده است، و خود این مقدمه ای برای بلعیده شدن بحیره خزر و از آن پس حرکت به سوی ترکمنستان، و از آنجا به سوی اوزبکستان، تاجیکستان، و قرقیزستان، آنچنان که در بالا توضیح داده شد. نتیجه عملی که در بر داشت، محاصره روسیه، از مرز جنوبی، نه فقط به وسیله نیروهای «ناتو» بلکه به وسیله دهها هزار عناصر تروریستی که بنا بود که جنگ تروریستی را از طرف شمال به داخل سرزمین روسیه منتقل کنند، یعنی از منطقه شمال قفقاز، و از آنجا به درون مرزهای چین از طرف شرق از طریق قرقیزستان و سپس از طریق مرز جنوب غربی به سوی داخل مرزهای ایران، به ویژه استان آذربایجان غربی و تهدید امنیت ملی در ایران، این اقدامات می توانست خلل بزرگی در معادلات ستراتیژیک آن منطقه ایجاد کند، به ویژه این که نباید در این میان عامل اسرائیل را ندیده گرفت و اقداماتی که می تواند علیه امنیت جمهوری اسلامی به کار بگیرد.

چهارم – اما هشیاری وزیرکی رئیس جمهور روسیه و هماهنگی عمیق میان رهبری ایران و روسیه در جهت یافتن راه حلی دیپلماتیک، و اقدام در جهت برقراری آتش بس فوری، موفق شد تا برنامه نظامی سیاسی که طبیعتی ستراتیژیک داشت و نیروهای استعماری برایش طراحی کرده بودند بشکست روبه روشد. گام اولیه این حرکت مهندسی شده، از طرف روسیه و ایران، اقدام برای برقراری آتش بس بود که توانست یک نوع توازن در میدانهای جنگی ایجاد کند و قبول آتش بس را برای طرفین قابل قبول کند، شروع آتش بس شرایطی را به وجود آورد که بتوان در پناه آن به ابزارهای دیپلماتیکی دست یافت که موجب آرامش و استقرار در کل منطقه قفقاز، آسیای میانه گردیده و همچنین خارج ساختن منطقه به طور نهانی از چنبره جنگها و درگیریهای دامنه دار مسلحانه، فاجعه بزرگی که باعث می شد همه فرصتها برای ترقی و پیشرفت منطقه را نقش بر آب کند.

باید گفت که شکست ارتش آذربایجان در اشغال سریع کامل و مطلوب در قره باغ و جنوب ارمنستان یکی از عوامل اصلی رسیدن به نتایجی بود که اکنون ما شاهد آن هستیم و شامل نتیجه گیریها و اقدامات زیر می باشد:

الف – موفقیت روسیه بدون دخالت نظامی و یا حتی شلیک یک گلوله، در نتیجه جلوگیری از شعله و رشدن آتش جنگ و سرایت آن به کشورهای مجاور، از جنوب و شرق و کشانده شدن آن به جمهوریهای روسیه (جمهوریهای منطقه ولگا)

ب – اهمیت بسیار مهم ایران در این پیروزی، به طوری که مانع از آن شد تا گروههای تروریستی نتوانند به درون مرزهای شمال غربی ایران نفوذ کرده و به عملیات خرابکارانه دست بزنند (به قولی: ایران از همان ابتداء گربه را در حلقه کشت). این خطر می توانست نفوذ اسرائیلیها را نیز در مرزهای ایران تسهیل کند.

ج – اخراج ترکیه به عنوان عضو پیمان اتلانتیک شمالی و شخص اردوخان که دچار رویای امپراتوری جدید «امپراتوری طورانی» شده است از معادلات منطقه قفقاز و آسیای میانه، علی رغم این که بعضی رسانه های مختلف این شک و تردید را دامن می زنند که گویا ترکیه نیز در برقراری آتش بس و یا مراقبت از آن نقش داشته است، چیزی که قطعاً نادرست است.

کسانی که وضعیت آتش بس و منع نفوذ ترکیه و پیمان ناتو را در آذربایجان و سایر مناطق آسیای میانه را دنبال می کنند متوجه هستند که مسئولان و نگاهبانان اصلی آتش بس، یک گردان از نیروهای ویژه ارتش روسیه می باشد که

در مناطق مرزی میان آذربایجان و قره باغ مستقر شده اند ، این گردان روسی بر همه گذرگاهها و نقل و انتقالات فیمابین سراسر مرزی طرفین به عرض فاصله پنج کیلومتر نظارت کامل دارد که از گذرگاه لاشین و ارمنستان و میان منطقه نخجوان و آذربایجان از جنوب ارمنستان می گذرد.

وضعیت فعلی به این شکل است که روسیه امور استراتژیک منطقه و فضای جنوبی آن را در دست خود دارد و تنها در شکل ظاهری خود با دوران حکومت شوروی سوسیالیستی فرقهائی دارد.

باید گفت که همه این پیروزیها به این معنی نیست که توطئه و آزمندیهای استعمار غرب ، به ویژه انگلستان و امریکا پایان یافته و دیگر باز نخواهد گشت ، تنها می توان گفت که علیه همه این توطئه ها و آزمندیهای استعماری یک مانع اساسی قرار داده شده است.

انطباق عملیاتی اقدامات موجود و حجم هر بازیگر سیاسی این شطرنج در آینده بیشتر روشن خواهد شد.

فضای منطقه قفقاز ، فضائی می باشد که روسیه در جنگ جهانی دوم محدوده آن را تعیین نموده است، و روسیه اجازه نمی دهد تا کسی در این فضا با وی شریک شود مگر این که این شریک با داشتن استقلال کامل وارد مناسباتی استراتژیک با روسیه گردد، تنها در منطقه ایران است که با داشتن استقلال کم نظیری می تواند شریکی مطمئن و استراتژیک برای روسیه باشد. اما ترکیه این امتیاز را ندارد زیرا این کشور علی رغم همه تبلیغاتی که در مورد ارمانهای خود مطرح می کند ، اما در حقیقت این کشور به مثابه چنگالهای تیز ناتو عمل می کند و نمی تواند شریکی مورد اطمینان برای منطقه باشد.

۲۸/آبان [عقرب]/۱۳۹۹